

نقد و بررسی ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی

سید/ابراهیم قدسی*

علی پورزین**

چکیده

رابطه‌ی نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا از انواع جرایمی است که مجازات آن تعزیر می‌باشد. در قانون مجازات اسلامی، از جرم روابط نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا، تعریفی به میان نیامده است بلکه در ماده‌ی ۶۳۷ از دو واژه‌ی «روابط نامشروع» و «عمل منافی عفت غیر از زنا» استفاده شده است. سؤالی که وجود دارد این است که آیا «روابط نامشروع» همان «عمل منافی عفت غیر از زنا» می‌باشد؟ آیا مجازات یک سان برای دو عنوان موصوف که در ماده‌ی ۶۳۷ قانون فوق‌الذکر منعکس شده است عادلانه می‌باشد؟ با بررسی‌هایی که از طریق آمار و مطالعه‌ی پرونده‌های موجود در دادگستری به عمل آمده و نیز با مراجعه به منابع معتبر و کتب مختلف حقوقی مشخص شده است که ماهیت و تعریف جرم «روابط نامشروع» با جرم «عمل منافی عفت غیر از زنا» با هم فرق دارد و می‌توان این گونه تعریف کرد که روابط نامشروع عبارت است از هرگونه ارتباط میان مرد و زن نامحرم با قصد لذت بردن و عمل منافی عفت غیر از زنا عبارت است از هرگونه تماس جسمی و فیزیکی میان مرد و زن نامحرم به قصد لذت بردن بدون این که مواقعی صورت بگیرد. علی‌رغم این که دو جرم مذکور از نظر ماهوی دارای اختلافات زیادی می‌باشند، قانونگذار مجازات آن دو را تا ۹۹ ضربه شلاق تعیین کرده است، که منطقی و عادلانه به نظر نمی‌رسد.

واژه‌های کلیدی:

رابطه‌ی نامشروع، عمل منافی عفت، ارکان تشکیل‌دهنده‌ی جرم، رکن قانونی، رکن مادی، رکن معنوی، رفتار مادی فیزیکی

شهرت‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

* استادیار حقوق دانشگاه مازندران

** کارشناسی ارشد حقوق

پرتال جامع علوم انسانی

طرح مسأله

یکی از قوی‌ترین نیروهای درونی جوانان، غریزه‌ی جنسی است که اگر از راه‌های اصلی و اساسی کنترل نشود، طغیان می‌کند و پیامدهای بسیار بدی را برای فرد و جامعه به دنبال دارد. شاید به همین دلیل بوده است که از منظر دین اسلام و بزرگان دین همواره این گونه بوده است که برای جلوگیری از اشاعه‌ی فحشا و حفظ حرمت آبرو و حیثیت مردم در خصوص مسایل جنسی موضوع چشم‌پوشی، اختفا و پرده‌پوشی سرلوحه‌ی کار بوده است که قضاوت امیرالمؤمنین در ارتباط با زنی که اصرار به اقرار به زنا‌ی خویش داشته است مؤید این برداشت می‌باشد.^(۱) امروزه بعضاً برخورد ضابطین دادگستری برای شناسایی و تعقیب مرتکبین و محاکم قضایی در انجام تحقیقات مقدماتی و تفهیم اتهام و صدور رأی و مجازات آن‌ها، خلاف راه و روش پسندیده‌ای است که بدان سفارش شده است. بدیهی است در برخورد با مسایل جنسی نباید راه افراط و یا تفریط را در پیش گرفت که هم صحیح و منطقی نیست و هم شرعی و عقلایی نمی‌باشد. جرایم منافعی عفت، دارای عوامل و علل فراوانی است که شناخت هر یک از آن‌ها ضمن این که همکاری همه جانبه‌ی جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان و روانشناسان و حقوقدانان را می‌طلبد، کمک شایانی به حفاظت جامعه از مفاسدی که دامگیر آن می‌شود، می‌کند. یکی از علل اساسی، ارضای غریزه‌ی جنسی است و مسایلی همچون مشاهده‌ی فیلم‌های شهوت‌انگیز، مطالعه‌ی کتب و مجلات خلاف اخلاق و شرکت در مهمانی‌های مختلط می‌تواند جوان را در سر حد ارتکاب جرایم جنسی تحریک و ترغیب کند.^(۲) برای مبارزه با انحطاط اخلاقی و جلوگیری از بی‌عفتی هم باید از روش درونی یا اخلاقی و هم از روش بیرونی یا جزایی استفاده کرد. زیرا بسیاری از افرادی که به اصول اخلاقی و مذهبی پایبند نبوده و با ارتکاب عمل مجرمانه آسایش عمومی را از مردم سلب می‌کنند. بنابراین تنها راهی که جهت مقابله به نظر می‌رسد اعمال مجازات برای افرادی است که از مرزهای اخلاقی جامعه پا را فراتر گذاشته و موجبات بر هم خوردن نظم آن جامعه را به وجود می‌آورند.^(۳)

یکی از موضوعات مهم و بحث‌انگیز در حقوق کیفری ایران، وجود «روابط نامشروع» و «عمل منافی عفت غیر از زنا» بوده که در ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ منعکس شده است. از آن جایی که قانونگذار تعریفی از این دو واژه به میان نیاورده و حدود و ثغور آن دو را مشخص نکرده است، مراجع قضایی در برخورد با مرتکبین و عاملین جنایت این دو پدیده‌ی مجرمانه، روند واحد و یکسان نداشته‌اند و همین موضوع سبب شده است که آرای متناقض و متعارض در موضوعات مشابه از طرف قضات صادر گردد.

در این مقاله موضوع ماده‌ی ۶۳۷ قانون موصوف مورد توجه قرار گرفته و ارکان تشکیل‌دهنده‌ی جرایم «روابط نامشروع» و «عمل منافی عفت غیر از زنا» که عبارت است از: اول: رکن قانونی، دوم: رکن مادی و سوم: رکن معنوی و هم چنین دو خصوصیت آن که، غیرقابل گذشت بودن و مشمول مرور زمان نشدن می‌باشد و در پایان میزان مجازات آن مورد مطالعه و نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

تعریف لغوی رابطه‌ی نامشروع و عمل منافی عفت

رابطه از نظر لغت، یعنی، «آن چه که دو تن یا دو چیز را به هم پیوستگی و ارتباط بدهد»^(۴) و مشروع، یعنی «آن چه مطابق شرع باشد و شرع آن را روا و جایز بداند»^(۵) بنابراین نامشروع، یعنی آن چه مطابق شرع نباشد و شرع آن را جایز نداند. عمل منافی عفت غیر از زنا از کلمات متعددی تشکیل شده است. عمل، یعنی کار، کارکردن^(۶) و منافی عفت عبارت است از امور جنسی شرم‌آور در عرف یک جامعه که برای موافقه یا شروع در آن صورت بگیرد، اگر صورت گیرد هتک ناموس یا شروع در هتک ناموس است. پس ملاک، غرض مرتکب است. در معنی عام، شامل همه‌ی صور مزبور است. عمل منافی عفت، مادی است نه صرف لفظ.^(۷) زنا، یعنی، جفت‌شدن مرد و زن با هم به حرام و به طور نامشروع.^(۸)

تعریف اصطلاحی رابطه‌ی نامشروع

رابطه‌ی نامشروع «رابطه‌ی جنسی مرد و زن برخلاف قانون و مستلزم کیفر که به حد دخول نرسد و گرنه زنا است و خارج از مفهوم واژه‌ی مذکور می‌باشد. فرقی

نمی‌کند که آن رابطه مستمر باشد یا نه مانند مس و تفخیز و بوسیدن. این عنوان عام در فقه نیست بلکه زیر عناوین خاص گفته می‌شود. شاید استمتاع به ما دون فرج معادل واژه‌ی بالا باشد.^(۹)

عمل منافی عفت غیر از زنا در ترمینولوژی‌ها و واژه‌نامه‌ها تعریف نشده است، بلکه فقط عمل منافی عفت مورد توجه قرار گرفته است که اول، عمل مادی از روی قصد صورت گرفته باشد. دوم آن عمل مربوط به امور جنسی باشد. سوم، عمل مذکور خلاف عفت و اخلاق عمومی باشد.^(۱۰)

تعریف قانونی

جرایم روابط نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا در قوانین قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن تعریف نشده است. فقط در خصوص جرم «عمل منافی عفت غیر از هتک ناموس» رأی وحدت رویه به شماره‌ی ۱۱۸۹-۳۰/۳/۱۳۳۶ صادره از هیأت عمومی دیوان عالی کشور وجود داشته است.^(۱۱)

ماده‌ی ۲۱۲ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ یکی از مصادیق روابط نامشروع را این گونه بیان کرده است که: «هر گونه ارتباط دو طرفه میان زن و مرد (غیرشوهر) همراه با هر نوع تماس جسمی به قصد التذاذ جنسی که حداقل یکی از طرفین متأهل نیز باشد». از مفاد ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ استفاده می‌شود که روابط نامشروع عبارت است از: «هر گونه ارتباط دو طرفه میان مرد و زن نامحرم به قصد التذاذ جنسی و بدون هر گونه تماس جنسی.»

از تعریف فوق نتیجه گرفته می‌شود که اولاً رابطه‌ی نامشروع یک ارتباط دو طرفه است که با عتف و اکراه قابل تحقق نیست. ثانیاً این جرم میان افراد نامحرم قابل تصور بوده و میان اقوام محرم همانند عروس و پدر شوهر و برادر و خواهر قابل تصور نیست. ثالثاً حتماً باید با قصد التذاذ جنسی باشد. رابعاً ارتباط نامشروع باید بدون تماس جسمی باشد. خامساً فرقی میان تأهل و مجرد افراد مرتکب وجود ندارد. جرم عمل منافی عفت غیر از زنا را می‌توان این گونه تعریف کرد: «هر گونه تماس جسمی و فیزیکی مرد و زن نامحرم به قصد التذاذ جنسی به جز مواقعه.» لذا با این

تعریف، اولاً باید تماس جسمی فیما بین زن و مرد باشد و ثانیاً ارتکاب این عمل چه با
عنف و اکراه و چه بدون‌عنف و اکراه قابل تحقق است.

از آن جایی که در ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی هم «روابط نامشروع» و هم
«عمل منافی عفت غیر از زنا» آمده است مراد قانونگذار از ذکر دو عنوان، دو معنای
جداگانه است که ذکرش گذشت. در حالی که در ماده‌ی ۱۰۱ قانون راجع به مجازات
اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲ فقط «عمل منافی عفت غیر از زنا» آمده و از «روابط
نامشروع» ذکری به میان نیامده است.^(۱۲)

در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ نیز جرم «روابط نامشروع» پیش‌بینی نشده
بود تا این که در شهریور ۱۳۱۲ و سپس در اسفند ۱۳۱۳ اصلاحاتی در آن به وجود
آمده و در ماده‌ی ۲۱۲ اصلاحی موضوع روابط نامشروع مطرح گردید: «کسانی که
عالمماً مرتکب یکی از اعمال ذیل شوند به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم
خواهند شد: ۱- هر زن شوهردار که با مردی رابطه‌ی نامشروع داشته باشد. ۲- هر
مردی که با زن شوهردار رابطه‌ی نامشروع داشته باشد ...»

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در ماده‌ی ۶۳۷ هم «روابط نامشروع» و
هم «عمل منافی عفت غیر از زنا» آمده است و اشکالی که وجود دارد مقدار مجازاتی
است که برای دو جرم پیش‌بینی شده که نود و نه ضربه شلاق است. چرا که ممکن
است یک قاضی رسیدگی کننده یک رابطه‌ی نامشروع که در حد یک مکاتبه‌ی عاشقانه
بوده است نود و هشت ضربه شلاق و قاضی دیگر عمل منافی عفت از قبیل مضاجعه
و یا تقبیل میان زن و مرد را دو ضربه شلاق در نظر بگیرد که با هیچ منطقی سازگار
نیست.

ارکان تشکیل دهنده‌ی جرم رکن قانونی

یکی از ارکان تشکیل دهنده‌ی هر جرمی، رکن قانونی است چرا که اعمال انسانی
هر چقدر هم که زننده و غیراخلاقی و یا مضر و خطرناک باشد، قابل مجازات نیست
مگر آن که قبلاً از طرف قانون، به عنوان جرم معرفی و مجازاتی برای آن تعیین شده
باشد. این اصل را اصل قانونی بودن جرم (و مجازات) می‌خوانند.^(۱۳) این اصل یکی از

اصول مهم حقوق جزا در اکثر کشورهای متمدن امروزی می‌باشد و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل سی و ششم منعکس شده است: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.» هم چنین اصل یک صد و شصت و هشتم مقرر می‌دارد: «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.» هم چنین اصل یک صد و شصت و نهم بیان می‌دارد: «هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.» این که آیا رکن قانونی، یکی از ارکان سه گانه‌ی موجود جرم است یا رابطه‌ی آن با دو رکن مادی و معنوی یک رابطه‌ی طولی است نه عرضی، میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. رابطه‌ی میان عنصر قانونی و دو عنصر مادی و روانی یک رابطه‌ی طولی است نه عرضی و بدین ترتیب بحث از عنصر قانونی به طور مجزا از عناصر مادی و روانی موضوعیت ندارد.^(۱۴)

جرایم منافی عفت، در قوانین بعد از انقلاب اسلامی، دو مرتبه مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. ابتدا قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ و سپس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵. در ماده‌ی ۱۰۱ چنین مقرر شده است: «هرگاه مرد و زنی که بین آن‌ها علقه‌ی زوجیت نباشد، مرتکب عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد و اگر این عمل با عفت و اکراه باشد، فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود.» در این ماده‌ی قانونی اشاره‌ای به رابطه‌ی نامشروع نشده است. شاید علت اصلی آن، این بوده است که قانون مجازات اسلامی بر گرفته از متون فقهی بوده و در متون فقهی نیز اشاره‌ای به جرم رابطه‌ی نامشروع نشده است.^(۱۵)

در دادگاه‌ها قضات از سال ۱۳۶۲ تا سال ۱۳۷۵، چنان چه عمل ارتكابی را، منافی عفت تشخیص می‌دادند بر اساس ماده‌ی ۱۰۱ قانون تعزیرات اقدام به صدور رأی می‌کردند. اما اگر عمل ارتكابی از مصادیق رابطه‌ی نامشروع به حساب می‌آمد دچار مشکل می‌شدند. در این خصوص به سه روش مختلف بنا بر تشخیص خود عمل می‌کردند: یک دسته، عمل ارتكابی را جرم ندانسته و در مرحله‌ی مقدماتی، قرار منع تعقیب و بعد از ورود در ماهیت دعوی، رأی برائت مرتکب را صادر می‌کردند. دسته‌ی دیگر، معتقد بودند که مقررات ماده‌ی ۲۱۲ قانون مجازات عمومی به قوتش باقی

است^(۱۶) و بر این اساس حکم محکومیت مرتکب را صادر می‌کردند که با نظریه‌ی مشورتی اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه، این روش مطرود شد: «با تصویب ماده‌ی ۱۰۱ قانون تعزیرات که هر نوع عمل منافی عفت و رابطه‌ی نامشروع مرد و زن را شامل می‌شود، شقوق یک تا پنج ماده‌ی ۲۱۲ قانون مجازات عمومی منسوخ به شمار می‌رود.»^(۱۷)

ایرادات عمده‌ای به این نظریه‌ی مشورتی وارد است چرا که اولاً دایره‌ی شمول ماده‌ی ۲۱۲ قانون مجازات عمومی با ماده‌ی ۱۰۱ قانون تعزیرات کاملاً متفاوت بوده لذا نمی‌تواند یکی ناسخ دیگری باشد. ثانیاً در متن ماده‌ی ۱۰۱ قانون تعزیرات به جرم نامشروع اشاره‌ای نشده است. چگونه می‌توان مفاد ماده‌ی ۱۰۱ را شامل عنوان رابطه‌ی نامشروع دانست؟ که چنین تفسیری با اصول مسلم حقوق جزا از جمله‌ی اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری مغایرت آشکار دارد. با توجه به نظریه‌ی مشورتی موصوف، دسته‌ی سوم از قضاات به روش سومی متوسل شده‌اند و آن، استناد به مسأله‌ی پنجم از بخش تعزیرات کتاب «تحریر الوسیله‌ی امام خمینی (ره) بوده با این استدلال که چون در متون قانونی به جرم رابطه‌ی نامشروع، اشاره‌ای نشده است. بنابر اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده‌ی ۲۸۹ قانون اصلاح موادی از آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱ باید به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر مراجعه کرد.

مسأله‌ی پنجم از کتاب تحریرالوسیله اشعار می‌دارد: «هر کس که ترک واجبی کند یا مرتکب حرام شود، پس امام و نایب او حق دارد او را تعزیر کند به شرط این که از گناهان کبیره باشد و تعزیر کمتر از حد می‌باشد و حد آن به نظر حاکم است و احوط برای حاکم در موردی که دلیلی بر مقدار آن دلالت نکند این است که از کمترین حدود تجاوز نکند.»^(۱۸)

روش این دسته از قضاات نیز خالی از اشکال نبوده است چرا که متن مسأله‌ی پنجم هر ترک واجبی یا ارتکاب حرامی را شامل نمی‌شود، بلکه شرط مهم آن است که ترک واجب یا ارتکاب حرام، از گناهان کبیره باشد^(۱۹) و تا آن جایی که علمای اسلامی، گناهان کبیره را با عنایت به آیات و روایات برشمرده‌اند، زنا جز آن بوده اما عمل منافی عفت غیر از زنا و یا رابطه‌ی نامشروع جز گناهان کبیره به شمار نیامده است. در هر حال روش دسته‌ی سوم هم قانونی نبوده است، اما می‌توان این گونه ادعا کرد

که اگر مرتکبین متأهل بودند مشمول ماده‌ی ۲۱۲ قانون مجازات عمومی بوده و در غیر این صورت هر گونه مجازاتی علیه مرتکب مجرد و جاهت قانونی نداشته است. در سال ۱۳۷۵ قانونگذار با اضافه کردن «روابط نامشروع» به متن ماده‌ی ۶۳۷ به تمامی این مباحث پایان بخشیده و برای هر دو جرم، رابطه‌ی نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا یک نوع مجازات در نظر گرفته است که به لحاظ شدت در قباحت و زشتی عمل منافی عفت غیر از زنا نسبت به جرم رابطه‌ی نامشروع، دور از عدل و انصاف است.

با دقت در متن ماده‌ی ۶۳۷ که مقرر می‌دارد: «هر گاه مرد و زنی که بین آن‌ها علقه‌ی زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد و اگر این عمل با عنف و اکراه باشد، فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود.» دو اشتباه محرز به چشم می‌خورد: اول ذکر «از قبیل تقبیل یا مضاجعه» است که مختص به عمل منافی عفت غیر از زناست اما توهم بر این است که مصداق روابط نامشروع نیز می‌باشد که شایسته بود قانونگذار برای مورد رابطه‌ی نامشروع نیز، مصداقی ذکر می‌کرد. دوم، ذیل ماده‌ی قانونی است که «اگر این عمل با عنف و اکراه باشد، فقط اکراه کننده تعزیر می‌شود»، مختص به عمل منافی عفت غیر از زناست و در خصوص رابطه‌ی نامشروع چون دو طرفه است اکراه در آن، قابل تصور نمی‌باشد.

سؤال‌ی که وجود دارد این است که آیا برای تحقق جرم رابطه‌ی نامشروع، نیاز به ارتکاب بیش از یک بار عمل از سوی مرتکبین است یا با یک بار عمل، جرم محقق می‌شود؟ به نظر می‌رسد اگر چه در ماده‌ی قانونی از کلمه‌ی جمع «روابط نامشروع» استفاده شده است، مراد قانونگذار از آن، افاده‌ی نوع آن است نه این که تعدد فعل ارتکابی منظور او بوده باشد. شبیه این موضوع را می‌توان در مواد قانونی دیگر هم چون نشر اکاذیب (ماده‌ی ۶۹۸)، آلات و ادوات جرم (ماده‌ی ۶۹۹)، عضویت در دسته‌ها و جمعیت‌ها (ماده‌ی ۴۹۹)، نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات (ماده‌ی ۵۰۱) و غیره ملاحظه کرد.

یکی دیگر از ارکان تشکیل دهنده‌ی هر جرمی، رکن مادی آن جرم است. یعنی، باید فعل یا ترک فعل که قانون آن را جرم شناخته، از طرف شخص انجام گیرد تا بتوان او را مسؤول دانست و به مجازات مقرر قانونی رساند. امروزه نمی‌توان کسی را به اتهام داشتن اندیشه‌ی مجرمانه، مجازات کرد. لذا برای آن که شخصی را که دارای قصد مجرمانه است، مسؤول شناخت باید واکنشی هم نشان دهد. یعنی، رفتاری را انجام دهد که در قانون جزا، جرم شناخته شده است.^(۲۰)

از دیدگاه حقوقدانان مصادیق تحقق رکن مادی عبارت است از: فعل، ترک فعل، داشتن و نگاهداری و فعل ناشی از ترک فعل، اما در جرایم منافی عفت صرفاً با انجام فعل مثبت مادی قابل تحقق است و سایر مصادیق از دایره‌ی شمول این گونه جرایم خارج است. در رکن مادی این جرم مباحثی از قبیل خصوصیات جرم، شرایط و اوضاع و احوال، رفتار مادی و فیزیکی و هم چنین نتیجه‌ی حاصله نیز وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد.

خصوصیات دو جرم رابطه‌ی نامشروع و عمل منافی عفت

دو جرم رابطه‌ی نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا از نظر خصوصیت فرق‌هایی با یکدیگر دارند. اول: جرم رابطه‌ی نامشروع، جزء جرایم مستمر می‌باشد زیرا مصادیق این جرم، افعالی است که در طول زمان استمرار و ادامه دارد و مبین قصد مجرمانه‌ی مستمر می‌باشد همانند مسافرت رفتن، نامه‌نگاری کردن، اما جرم عمل منافی عفت غیر از زنا، جزء جرایم آنی است و مصادیق آن در یک لحظه صورت می‌گیرد و به محض هرگونه تماس جسمی همراه با سوء نیت به جز مقاربت و مواقعه میان زن و مرد که رابطه‌ی علقه‌ی زوجیت بینشان نیست، جرم تحقق یافته است. دوم: جرم رابطه‌ی نامشروع، جرم دو طرفه است و اکراه در این جرم، جایگاهی ندارد و تا زمانی که طرفین رضایت نداشته باشند این جرم محقق نمی‌شود، اما جرم عمل منافی عفت غیر از زنا هم می‌تواند دو طرفه باشد و هم یک طرفه. یعنی، هم می‌تواند با رضایت دو طرف تحقق پیدا کند و هم با اکراه از سوی یک طرف. نقطه‌ی اشتراک دو جرم موصوف در ساده و مطلق بودن آن‌ها است. یعنی، اولاً این نوع از جرایم از ترکیب

چند عمل تشکیل نمی‌گردد بلکه با یک نوع عمل، قابل تحقق است. ثانیاً تحقق یا عدم تحقق نتیجه‌ی مجرمانه که همانا التذاذ جنسی است، تأثیر در خود جرم ندارد.

شرایط و اوضاع و احوال

با توجه به مفاد ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، شرایط و اوضاع و احوال که از عناصر مهم رکن مادی است و دارای اهمیت فراوان است به شرح زیر است:

اول: نبودن علقه‌ی زوجیت میان طرفین است. ارتکاب جرم برای کسانی قابل تصور است که امکان ایجاد علقه‌ی زوجیت بینشان باشد، لذا تحقق این جرم برای افراد محرم به دلیل عدم امکان علقه‌ی زوجیت، قابل تصور نیست و نمی‌توان برادر و خواهر، داماد و مادرزن یا عروس و پدرشوهر را به اتهام این جرم، تحت تعقیب قرار داد و مجازات کرد. بعضی از نویسندگان^(۲۱) به این امر مهم توجه نکرده و با استناد به اطلاق ماده‌ی قانونی، آن را شامل افراد محرم نیز دانسته‌اند که چنین برداشتی خلاف بین منطوق ماده‌ی قانونی مذکور است.

دوم: مرتکبین باید به سن شرعی رسیده باشند چرا که اولاً اطفال مسؤلیت کیفری ندارند. ثانیاً در ماده‌ی قانونی «زن و مرد» قید شده که در خصوص افراد بالغ به کار می‌رود. ثالثاً علقه‌ی زوجیت میان اطفال امکان‌پذیر نیست.

سوم: از سیاق ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی این برداشت وجود دارد که مجرد یا متأهل بودن مرتکب، تأثیری در مقدار مجازات نداشته و هر دو گروه از شرایط یک سانی برخوردارند.

چهارم: مراد از «علقه‌ی زوجیت» مذکور از ماده‌ی موصوف، اعم از علقه‌ی زوجیت قانونی یا شرعی است فرقی ندارد که صیغه‌ی عقد دائم یا منقطع باشد و در دفترخانه‌ی ازدواج ثبت گردیده یا ثبت نشده باشد.

پنجم: حکم ماده‌ی مذکور، اختصاص به زن و مرد دارد و ارتکاب عمل مجرمانه‌ی دو مرد و یا دو زن از شمول ماده خارج هستند.

ششم: رضایت افراد در حین ارتکاب عمل، تأثیری در تحقق جرم یا اجرای مجازات مرتکب ندارد چرا که جرم جنبه‌ی عمومی دارد و در ارتباط با حیثیت و شرافت انسانی است که مالک واقعی آن خداوند متعال است.

نکته‌ی حایز اهمیت این است که به قراین و امارات که در اطراف هر یک از مرتکبین وجود دارد باید توجه خاص کرد و عرف و عادت و آداب و رسوم را در جامعه‌ی مرسوم نیز مدُنظر قرار داد و سپس در خصوص مرتکبین، قضاوت کرد نه این که صرف یک مکالمه‌ی تلفنی و یا چت^(۲۲) در اینترنت و نشستن در کنار یکدیگر در پارک، ملاک و معیار روابط نامشروع تلقی گردد و مرتکبین تحت تعقیب قرار بگیرند و به مجازات برسند.

رفتار مادی و فیزیکی

در ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، مصادیقی از عمل منافی عفت غیر از زنا ذکر شده است. از آن جایی که مصادیق به صورت تمثیلی است نه حصری لذا موارد دیگری نیز وجود دارد که بدان‌ها اشاره نشده است. مصادیق بدین شرح است:

تقبیل: ریشه‌ی این واژه‌ی «قبل» نقیض دبر^(۲۳) و به معنای جلو و قسمت جلو^(۲۴) و به معنای «جلو» است و به معنی بوسیدن و بوسه زدن آمده است.^(۲۵) ممکن است بوسه زدن، به طور کلی به منظور احترام یا محبت به دیگری باشد اما از نظر قانونگذار، انجام این عمل میان مرد و زن نامحرم، جرم اعلام شده است.

مضاجعه: ریشه‌ی آن «ضجع» به معنای خوابیدن به پهلو است و از باب مفاعله برای بیان مشارکت و همکاری دو نفر در انجام امری به کار می‌رود.^(۲۶) در اصطلاح به معنی خوابیدن دو نفر به پهلو و در کنار هم و در یک بستر می‌باشد و یا اجتماع دو یا چند نفر که در یک رختخواب هستند.

مصافحه: به معنای دست دادن با یکدیگر است. هر چند ممکن است که چنین عمل، بدون انگیزه و التذاذ جنسی صورت گیرد و یا در عرف برخی خانواده‌ها، نشانه‌ی ادب و احترام به هنگام سلام و احوالپرسی نسبت به طرف مقابل باشد؛ اما قانونگذار کلیه‌ی تماس‌های فیزیکی میان زن و مرد را که بینشان علقه‌ی زوجیت وجود ندارد را جرم اعلام کرده است. با توجه به آن چه در مقدمه گفته شده است چنین برخوردی از طرف قانونگذار به صلاح جامعه نیست چرا که با این شیوه نمودار جرایم ارتكابی روز به روز افزایش پیدا کرده در حالی که مرتکب فاقد سوء نیت بوده و قصد مجرمانه‌ای نداشته است.

معانقه: این کلمه از ریشه‌ی «عنق» به معنای «گردن» گرفته شده و از باب مفاعله است و به اصطلاح حالت فیزیکی و جسمی دو نفر نسبت به یکدیگر است به صورتی که گردن‌های آنان در کنار هم قرار گیرد و منظور، هم آغوشی است که در تحریرالوسیله بدان اشاره شده است.^(۲۷)

در ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، مصادیق جرم روابط نامشروع ذکر نشده است، اما با توجه به تعریف این جرم «هر گونه ارتباط دو طرفه‌ی میان مرد و زن نامحرم به قصد التذاذ جنسی و بدون هر گونه تماس جسمی» مصادیق آن می‌تواند موارد زیر باشد.

مکالمه: یکی از ابتدایی‌ترین راه‌های ارتباط میان افراد، مکالمه است. مکالمه بین مرد و زن نامحرم از سه حالت خارج نیست. اول: مکالمه‌ای که برای بیان حاجت‌های ضروری میان زن و مرد صورت می‌گیرد که بر اساس نظر فقهی تمامی فقها این نوع مکالمه اشکالی ندارد. دوم: مکالمه‌ای که همراه با نازک کردن صوت و آمیختن آن با عشوه باشد و نیز به کار بردن کلمات و عبارات عاشقانه و مهیج از سوی طرفین که بنا بر اتفاق نظر فقها این نوع صحبت کردن جایز نیست. سوم: مکالمه‌ای که از یک طرف، غیرضروری بوده ولی از طرف دیگر هیچ گونه تهییجی میان مرد و زن نامحرم را به دنبال ندارد، این گونه مکالمه طبق نظر اکثریت قریب به اتفاق فقها، جایز ولی احتیاط در ترک آن است.

آن چه امروزه در دانشگاه‌ها، ادارات و اجتماعات مشاهده می‌شود، مکالمه از نوع سوم است. بنابراین این گونه نیست که هر نوع مکالمه‌ای میان مرد و زن نامحرم جرم باشد.

مکاتبه: برخلاف مکالمه که احراز رابطه‌ی نامشروع در آن بسیار دشوار است، در مکاتبات میان مرد و زن نامحرم، چنانچه شامل مسایل شهوانی و عشقی یا تصاویری که حاوی مسایل جنسی باشد، راحت‌تر می‌توان رابطه‌ی نامشروع را احراز کرد. برخی از مراجع تقلید، نامه‌نگاری با نامحرم و طرح مسایل عشقی و شهوانی را در نامه، غیرجایز و حرام شمرده‌اند.^(۲۸) اگر رد و بدل شدن نامه‌ی عاشقانه جهت ازدواج بین دختر و پسر رشید باشد، آیا باز هم جرم است؟ اداره‌ی حقوقی دادگستری چنین پاسخ داده

است: «... صرف مکاتبه مبنی بر ابراز تمایل و علاقه به ازدواج بین مرد و زنی که فاقد موانع نکاح باشند، جرم تلقی نمی‌گردد...»^(۲۹)

خلوت کردن: مرد و زن نامحرم در مکانی حضور پیدا کنند که امکان ورود اشخاص دیگر افراد وجود نداشته باشد در این صورت، خلوت کردن مصداق پیدا می‌کند. اگر به مدت طولانی، دو فرد نامحرم در یک مکان خلوت به سر ببرند، اماره‌ای است مبنی بر این که قصد و سوء نیت طرفین از این خلوت همانا ایجاد رابطه‌ی نامشروع است که می‌تواند زمینه را برای برقراری رابطه‌ی جنسی مساعد سازد.

اختلاط: در لغت، اختلاط به معنی امتزاج و در هم آمیختن است و در اصطلاح به همراهی و حشر و نشر و عدم تفکیک بین مرد و زن در مجامع و اماکن عمومی یا خصوصی نظیر سینما، پارک، خیابان، جشن‌های خانوادگی و غیره اطلاق می‌شود. ناگفته نماند هر اختلاطی، نمی‌تواند به عنوان رابطه‌ی نامشروع تلقی گردد، بلکه به طور طبیعی باید همراه با تهییج و تحریک جنسی باشد؛ همانند، این که جمعی از مردان و زنان در یک جشن، بدون حفظ حجاب و به صورت نیمه عریان شرکت کنند. سایر اختلاطات که غالباً لازمه‌ی زندگی دسته جمعی امروزی است و هیچ‌گونه تحریکات جنسی را به دنبال ندارد، از مصادیق رابطه‌ی نامشروع خارج است.

مصادیق رابطه‌ی نامشروع، محدود به موارد ذکر شده نیست بلکه موارد مشابه دیگر نیز وجود دارد، همانند رد و بدل کردن عکس و یا گفتگو از طریق اینترنت. نکته‌ی حایز اهمیت این که حتماً باید در رابطه‌ی نامشروع، قصد التذاذ و سوء نیت و بهره‌برداری جنسی احراز گردد.

نتیجه‌ی حاصله در جرایم منافی عفت

جرایم عمدی، به دو دسته‌ی مطلق و مقید تقسیم می‌شود. جرایم مطلق به جرایمی گفته می‌شود که مجرد فعل، نگاهداری و یا فعل در موقعیت خاص، جرم تلقی می‌شود و ضرورتی ندارد که نتیجه‌ای هم بر عمل مجرمانه مترتب شده باشد.^(۳۰)

جرایم مقید به جرایمی گفته می‌شود که نتیجه و زیانی از آن حاصل شود و در صورتی که خسارتی از عمل مجرمانه، ناشی نشود، قانونگذار، مرتکب را مسئول نمی‌شناسد. در جرایم منافی عفت، نتیجه‌ی حاصله التذاذ و بهره‌جویی جنسی است

و ضرر و زیان حاصله از آن، لگه‌دار کردن حیثیت و شرافت انسانی است، اما آیا حتماً این نتایج باید حاصل شود یا خیر؟ جواب منفی است، چرا که قصد و سوء نیت مرتکب در تحقق جرم کافی به نظر می‌رسد و نیازی به اثبات این موضوع نیست که مرتکب واقعاً لذت هم برده باشد. از این نظر جرم منافی عفت، از نوع جرایم مطلق است. خصوصاً این که در برخی از مواقع، انگیزه‌ی مرتکب، تحقیر کردن، شوخی کردن، احساس هیجان یا انتقام گرفتن است که هیچ‌گاه همراه با لذت جنسی نیست ولی عمل ارتكابی جرم می‌باشد.

رکن معنوی

تا اواخر قرن دوازدهم، حقوق جزا برای مرتکب جرم، توجهی به سوء نیت و رکن روانی او نداشت و انسان را بدون توجه به قصد و نیت وی و تنها به علت ایراد صدمه از سوی او به دیگری، مجازات می‌کرد. اما از اواخر قرن دوازدهم تغییر مهمی در جهت کلی حقوق جزا روی داد. از این زمان، انسان به عنوان یک عامل اخلاقی شناخته شد که تنها در صورتی قابل مجازات شمرده می‌شد که ارتکاب را برگزیده باشد.^(۳۱) امروزه مجرد ارتکاب عمل مجرمانه و ایراد صدمه به دیگری باعث ایجاد مسؤولیت جزایی نمی‌گردد، بلکه علاوه بر آن، وجود رکن روانی نیز لازم است.

در یک تقسیم‌بندی، به اعتبار رکن معنوی، جرایم به دو دسته‌ی جرایم عمدی و جرایم غیرعمدی، تقسیم می‌شود. جرایم عمدی، جرایمی هستند که رکن معنوی در آنها، سوء نیت یا قصد مجرمانه است؛ مانند، قتل عمدی، سرقت و کلاهبرداری. جرایم غیرعمدی، جرایمی هستند که رکن معنوی در آنها، تقصیر یا خطای جزایی می‌باشد؛ مانند، قتل شبه عمد یا ایراد صدمه‌ی بدنی غیرعمدی ناشی از بی‌احتیاطی در امر رانندگی.

با توجه به دو تعریف مذکور، جرایم منافی عفت، از جمله‌ی جرایم عمدی به حساب می‌آیند. کسی نمی‌تواند بعد از ارتکاب عمل منافی عفت و یا ایجاد رابطه‌ی نامشروع، ادعا کند به صورت سهوی و غیرعمدی با جنس مخالف خود رابطه برقرار کرده و یا مرتکب عمل منافی عفت شده است، مگر این که مرتکب ادعای اشتباه یا اکراه و یا جهل به حکم و یا موضوع کند که در صورت امکان و صحت ادعا و در چارچوب قانون، قابل استماع می‌باشد.

سوء نیت عام

به طور کلی سوء نیت عام از دو عنصر تشکیل شده است. اول: اراده‌ی ارتکاب دوم: علم به نامشروع بودن عمل ارتكابی. در کلیه‌ی جرایم، اعم از عمدی و غیر عمدی، اراده‌ی ارتکاب فعل وجود دارد. به عبارت دیگر، قانونگذار فقط عمل ارادی را مجازات می‌کند و در صورت فقدان اراده‌ی ارتکاب فعل، تحقق جرم منتفی است.^(۳۲) برای مثال، اگر شخصی دیگری را به طور ناگهانی هل دهد و در اثر این عمل، دومی در آغوش زنی بیفتد، جرم عمل منافی عفت محقق نمی‌شود و یا فردی بعد از هیپنوتیزم با زنی حرف‌های عاشقانه بزند، به دلیل عدم وجود اراده، رابطه‌ی نامشروع، به وجود نمی‌آید.

علم به نامشروع بودن عمل ارتكابی نیز عنصر دوم تشکیل‌دهنده‌ی سوء نیت عام است؛ یعنی، مرتکب در زمان انجام جرم باید بداند که عملش برخلاف قانون است. به عنوان مثال اگر پسری که در خارج از کشور بزرگ شده است به دلیل عرف رایج در آن کشور و خانواده‌اش، با زنان خویشاوند، دست بدهد و به هنگام احوال‌پرسی آن‌ها را ببوسد به نظر می‌رسد به دلیل فقد سوء نیت عام، مسؤولیت نداشته باشد. آن چه مسلم به نظر می‌رسد این که شخص اگر با اراده و آگاهانه و با علم به نامشروع بودن عمل ارتكابی، مرتکب یکی از مصادیق جرایم منافی عفت گردد، مسؤول خواهد بود.

سوء نیت خاص

سوء نیت خاص، یعنی شخص مرتکب علاوه بر قصد ارتکاب عمل مجرمانه، قصد دیگری را هم که از طرف قانون برای تحقق جرم ضروری شناخته شده است و معمولاً قصد نتیجه‌ی حاصل از عمل مجرمانه می‌باشد، داشته باشد. به بیان دیگر، خواستن نتیجه‌ی حاصل از عمل مجرمانه را سوء نیت خاص گویند.^(۳۳) با این توضیح، سوء نیت خاص در جرایم منافی عفت «قصد التذان جنسی از طرف مقابل» می‌باشد، اما آیا تحقق

چنین سوء نیتی لازم است یا خیر؟ از آن جایی که رکن معنوی جرایم منافی عفت، با احراز سوء نیت عام، کامل می‌شود، نیازی به سوء نیت خاص نیست.

در رابطه‌ی نامشروع، بدیهی است صرف حرف زدن، قدم زدن، مکالمه و مکاتبه میان مرد و زن نامحرم، لذت جنسی را به دنبال ندارد و علی القاعده نباید جرم باشد، اما اطلاق ماده‌ی ۶۳۷ نشان می‌دهد که ممکن است چنین اعمالی از دیدگاه قانونگذار جرم به حساب آید. شایسته است قانونگذار همانند ماده‌ی ۱۰۱ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ کلمه‌ی «روابط نامشروع» را از متن ماده‌ی ۶۳۷ حذف کند تا جهت قانون با عرف حاکم هم سو گردد.

در خصوص «اعمال منافی عفت غیر از زنا» قضیه روشن‌تر است. زیرا این دسته از جرایم همواره با تماس بدنی و جسمی همراه می‌باشد. همانند، تقبیل و مضاجعه که ظهور در التذاذ داشته و امری ناپسند می‌باشد. در هر حال، احراز سوء نیت عام برای تحقق رکن معنوی جرم رابطه‌ی نامشروع و عمل منافی عفت کافی است و احراز سوء نیت خاص ضروری به نظر نمی‌رسد.

مشکل زمانی به وجود می‌آید که قاضی با توجه به شرایط و اوضاع و احوال و اظهارات طرفین به این نتیجه رسید که ارتباط میان مرد و زن نامحرم، رابطه‌ی نامشروع نبوده، مثلاً برای حمل مواد مخدر با هم به سفر رفتند و یا شخصی که به هنگام احوال‌پرسی صورت یکی از اقوام مؤنث خود را ببوسد چرا که تازه به ایران برگشته و از کودکی در اروپا بزرگ شده و احوال‌پرسی بدین صورت را نشانه‌ی ادب و احترام دانسته و از جرم بودن آن، در ایران بی‌خبر بوده است. در این گونه موارد به نظر می‌رسد نه تنها سوء نیت خاص نیست بلکه سوء نیت عام نیز وجود ندارد، اما به هر حال ناآگاهی و بی‌اطلاعی مدعی باید احراز و اثبات گردد.

در ذیل ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، موضوع اکراه مطرح شده است. آیا اکراه، در جرم رابطه‌ی نامشروع قابل تصور است؟ به نظر می‌رسد از آن جایی که رابطه‌ی نامشروع، دو طرفه است و تا زمانی که دو طرف راضی به ایجاد رابطه از طریق مکالمه، مکاتبه، و رد و بدل کردن عکس و غیره نباشند، جرم رابطه‌ی مشروع تحقق پیدا نمی‌کند. اگر احیاناً اجبار و اکراهی از یک طرف باشد، جرم عنوان مجرمانه‌ی دیگر همانند ایجاد مزاحمت و غیره پیدا می‌کند و به طور کلی از ماهیت جرم رابطه‌ی

نامشروع جدا می‌گردد. در خصوص عمل منافی عفت غیر از زنا، اکراه و اجبار قابل تصور است که اکراه کننده با توجه به مفاد مواد ۵۴ و ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی به مجازات مقرر قانونی محکوم می‌گردد. لذا ذیل ماده‌ی ۶۳۷ صرفاً ناظر به عمل منافی عفت غیر از زنا است و شامل رابطه‌ی نامشروع نمی‌شود چرا که رابطه‌ی نامشروع اکراه‌پذیر نیست.

خصوصیات جرایم منافی عفت

اول: غیر قابل گذشت بودن

در برخی از موارد به لحاظ کم اهمیت بودن حیثیت عمومی جرم ارتكابی و زمانی به علت رعایت مصالح و منافع خانوادگی و جلوگیری از لگه‌دار شدن حیثیت و شؤون افراد جامعه و در برخی از موارد بنا به ملاحظات سیاسی و اقتصادی، مقنن، تعقیب دعوی عمومی ناشی از جرم را بر مطالبه‌ی متضرر از جرم منوط می‌کند و به مراجع کیفری اجازه و امکان نمی‌دهد که بدون درخواست بزه‌دیده، بزه‌کار را تحت تعقیب قرار دهند^(۳۴) و برعکس در برخی موارد به لحاظ تغلیب جنبه‌ی عمومی جرم بر جنبه‌ی خصوصی آن، قانونگذار صرف‌نظر از شکایت شاکی، به مراجع رسمی شکایات اجازه‌ی تعقیب مرتکب را داده است.

جرایم قابل گذشت، بزه‌هایی هستند که تعقیب آن موکول و منوط به درخواست شاکی خصوصی بوده و با گذشت او تعقیب یا اجرای کیفری مجازات موقوف می‌گردد و جرایم غیر قابل گذشت، جرایمی هستند که تعقیب آن نیازی به شکایت شاکی خصوصی نداشته و با رضایت شاکی خصوصی، تعقیب، متوقف نمی‌گردد. جرایم منافی عفت غیر از هتک ناموس، در ماده‌ی ۲۰۸ مجازات عمومی به جرم رابطه‌ی نامشروع قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سه بند اول ماده‌ی ۲۱۲ اشاره شده بود و تنها مدعی خصوصی، زوج بوده و تعقیب جزایی موکول به شکایت او بوده است. بنابراین جرم رابطه‌ی نامشروع و جرایم منافی عفت غیر از هتک ناموس در آن زمان، از جمله جرایم قابل گذشت بوده‌اند. یعنی، جرم تعقیب نمی‌شد مگر با شکایت شاکی خصوصی و با گذشت او نیز تعقیب موقوف می‌گشت.^(۳۵) البته در سال ۱۳۵۲ قانونگذار، اثر گذشت شاکی خصوصی را موکول به قصد سابقه‌ی کیفری مؤثر (۶۱ روز حبس به بالا)

به علت ارتکاب جرم مشابه از سوی متهم یا مرتکب دانسته بود که امکان کنترل قضایی سابقه‌ی مرتکب آن گونه که مطلوب بود، وجود نداشت.^(۳۶)

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، جنبه‌ی حق الهی جرایم منافی عفت شده است که غیرقابل گذشت باشند و قانونگذار با عنایت به موازین شرعی و به منظور ارباب عمومی، شکایت متضرر از جرم را شرط تعقیب ندانسته و گذشت شاکی خصوصی حتی در مواردی که مصالح خانوادگی آن را ایجاب می‌کرد از موارد سقوط دعوی عمومی و یا سقوط مجازات به حساب نیاورده است و دادگاه‌ها مکلف به رسیدگی و صدور حکم قانونی و شرعی دال بر محکومیت متهم در صورت وجود ادله‌ی قانونی شده‌اند.^(۳۷) علاوه بر آن ماده‌ی ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی نیز ماده‌ی ۶۳۷ را از جمله جرایم قابل گذشت به حساب نیاورده است. مراد قانونگذار از ذکر موضوع برخی از مواد قانون در ماده‌ی ۷۲۷ این بوده است که این گونه جرایم قابل گذشت می‌باشند، هر چند مفاد ماده‌ی موصوف به گونه‌ی دیگری تنظیم شده است و شاید به دلیل تسامح در عبارت باشد.^(۳۸و۳۹)

دوم: مشمول مرور زمان نشدن جرایم منافی عفت

منظور از مرور زمان تعقیب جرم این است که هرگاه از تاریخ وقوع جرم مدّت زمان معینی بگذرد و تقاضای تعقیب آن جرم نشود، تعقیب موقوف می‌گردد و معنای مرور زمان اجرای مجازات این است که هرگاه مدّت معینی از قطعیت حکم محکومیت جزایی بگذرد و حکم درباره‌ی محکوم اجرا نشود محکومیت مشمول مرور زمان شده و مجازات ساقط می‌گردد.^(۴۰)

بعد از تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی در سال ۱۳۶۱ مرور زمان از قوانین کیفری برداشته شد، تا این که مجدداً در سال ۱۳۷۸ با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ احیا گردید و علاوه بر دو نوع مرور زمان که ذکرش گذشت نوع سوّمی به آن اضافه گردید و آن مرور زمان اولین اقدام تعقیبی است. یعنی، چنان چه از اولین اقدام تعقیبی تا انقضای مواعد معینی، پرونده منجر به صدور حکم نشده باشد، مشمول مرور زمان قرار می‌گیرد

و تعقیب موقوف خواهد شد. مرور زمان انواع سه گانه در مواد مذکور قانون موصوف پیش‌بینی شده است.^(۴۱)

آیا جرایم منافی عفت مشمول مرور زمان قرار می‌گیرند یا خیر؟ صدر ماده‌ی ۱۷۳ بیان می‌دارد که این تأسیس در خصوص جرایمی است که مجازات قانونی آن‌ها از نوع مجازات‌های بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، لذا اول باید دید آیا جرایم منافی عفت از نوع مجازات‌های بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی هستند یا خیر؟ مسلماً اگر از نوع این گونه مجازات‌ها باشند، مشمول مرور زمان می‌شوند و در غیر این صورت مرور زمان در آن‌ها تأثیری نخواهد داشت. ماده‌ی ۱۶ قانون مجازات اسلامی در تعریف تعزیر مقرر می‌دارد: «تعزیر، تأدیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است، از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حدّ کمتر باشد.» ماده‌ی ۱۷ قانون مذکور در خصوص مجازات بازدارنده اشعار می‌دارد: «مجازات بازدارنده تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد؛ از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن.»

بر اساس دو ماده‌ی مذکور، مجازات بازدارنده و تعزیر هر دو تأدیب و عقوبت است و از سوی حاکم تعیین می‌شود. به نظر می‌رسد حاکمی که در ماده‌ی ۱۶ ذکر شده است همان حاکم شرع باشد و واژه‌ی حکومت که در ماده‌ی ۱۷ ذکر شده است منظور دولت باشد؛ بنابراین مرجع تصمیم‌گیری متفاوت است. اما امروزه تمامی مجازات‌ها از سوی قانونگذار بر اساس اختیاراتی که قانون اساسی به قوه‌ی مقننه داده است تعیین و تصویب می‌گردد.

از سال ۱۳۷۹ نظریه‌ی مشورتی از طرف اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه‌ی قضاییه (شماره‌ی ۷/۵۸۹۶-۷۹/۶/۱۹) ارایه شده است مبنی بر این که: «با توجه به تعریف مجازات‌های بازدارنده در ماده‌ی ۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به تمام مجازات‌های مذکور در کتاب پنجم از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که نوع و میزان آن در قانون مشخص شده و برای حفظ نظم و مصلحت اجتماعی اعمال

می‌شود مجازات بازدارنده است و می‌تواند مشمول مقررات مرور زمان قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ شود...»

باید توجه داشت در حقیقت میان مجازات‌های بازدارنده و تعزیرات فرق وجود دارد و یکسان نیستند و در غیر این صورت ذکر تعزیرات در عنوان کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که مقرر داشته: «تعزیرات و مجازات‌های باز دارنده» و تعریف تعزیر در ماده‌ی ۱۶ این قانون لغو می‌باشد. فرض بر این است قانونگذار کار لغو و بیهوده انجام نمی‌دهد. به نظر می‌رسد تعزیر، آن عقوبت و مجازاتی است که موضوع جرم آن در صدر اسلام و در آیات و روایات سابقه داشته و آن فعل یا ترک فعل بدون تعیین نوع و مقدار مجازات آن، مورد توجه شارع مقدس قرار گرفته است. همانند جرم، سرقت مستوجب تعزیر، عمل منافی عفت غیر از زنا، تحت یک لحاف خوابیدن دو فرد غریبه، و غیره و مجازات بازدارنده، مجازاتی است که ریشه‌ی فقهی نداشته بلکه موضوعات جدیدی است که حکومت برای آن مجازات در نظر می‌گیرد؛ همانند، حمل و نقل، خرید و فروش مواد مخدر، نگهداری و خرید و فروش آنتن‌های ماهواره و غیره. مؤید این برداشت تبصره‌ی یک ماده‌ی ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ می‌باشد که مقرر می‌دارد: «تعزیرات شرعی عبارت است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات، مقرر گردیده و ترتیب آن به شرح مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد.»

با توجه به توضیحات بالا، چون شارع مقدس قبلاً برای اعمال منافی عفت هم چون تقبیل، مضاجعه و معانقه، مجازات شلاق تا ۹۹ ضربه قرار داد که در منابع معتبر فقهی و کلمات فقهاء وجود دارد،^(۴۲) لذا موضوع ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، از نوع مجازات تعزیری است نه این که از نوع مجازات بازدارنده باشد که به طور منطقی مشمول مرور زمان نمی‌شود.

مجازات‌های جرایم رابطه‌ی نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا

قبل از انقلاب، قانونگذار برای جرایم رابطه‌ی نامشروع و عمل منافی عفت غیر از هتک ناموس به ترتیب به موجب مواد بند الف ماده‌ی ۲۰۸ و ماده‌ی ۲۱۲ قانون مجازات

عمومی، مجازات حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال را در نظر گرفته بود^(۴۳) اما قانون مجازات اسلامی در بخش حدود، مصوب سال ۱۳۷۰ در خصوص زناکاران محصن به موجب ماده‌ی ۸۳ مجازات رجم را در نظر گرفته است و در بخش تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ برای غیرمحصن که عمل مجرمانه‌ی آن‌ها از نوع زنا نباشد به موجب ماده‌ی ۶۳۷ مجازات شلاق تا ۹۹ ضربه را لحاظ کرده است.

اشکال در این است که اگر جرم ارتكابی، رابطه‌ی نامشروع و یا عمل منافی عفت غیر از زنا باشد در هر دو حال مجازات شلاق تا ۹۹ ضربه مدّ نظر قانونگذار قرار گرفته است که در حقیقت به دور از عدل و انصاف است. به دلیل این که قبلاً توضیح داده شد، فرق اساسی میان این دو جرم وجود دارد و عمل منافی عفت به مراتب شدیدتر و قبیح‌تر از وجود رابطه‌ی نامشروع میان مرد و زن نامحرم می‌باشد.

نتیجه‌گیری

رابطه‌ی نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا موضوع ماده‌ی ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی است. فرق اساسی میان آن دو در این است که در رابطه‌ی نامشروع، هیچ گونه تماس فیزیکی و جسمی میان طرفین حاصل نمی‌شود، اما در عمل منافی عفت غیر از زنا، با تماس جسمی و فیزیکی بین مرد و زن نامحرم جرم تحقق پیدا می‌کند. رکن مادی جرم رابطه‌ی نامشروع با مکالمه، مکاتبه، خلوت کردن و اختلاط محقق شده و عمل منافی عفت با تقبیل، مضاجعه، مصافحه و معانقه و اعمالی از این قبیل تحقق پیدا می‌کند.

رکن معنوی همان وجود سوء نیت عام و قصد مجرمانه مرتکب است که با اراده‌ی آزاد و آگاهانه و علم به نامشروع بودن عمل ارتكابی به عمل به آن اقدام می‌کند و احراز سوء نیت خاص ضروری نیست.

خصوصیات جرایم این است که اولاً قابل گذشت نیستند، ثانیاً مشمول مرور زمان نمی‌شوند و مجازات رابطه‌ی نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا علی‌رغم تمایز اساسی فیما بین ماهیت این دو جرم و شدیدتر و قبیح‌تر بودن عمل منافی عفت غیر از زنا نسبت به رابطه‌ی نامشروع تا ۹۹ ضربه شلاق می‌باشد که خالی از اشکال نیست.

از آن جایی که شارع مقدس برای حفظ آبروی افراد جامعه حرمت خاص قایل است، جهت جلوگیری از اشاعه‌ی فحشا، جرایم رابطه‌ی نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا باید با چشم‌پوپی مورد رسیدگی قرار گیرد و تا زمانی که به صورت علنی اتفاق نیفتاده و یا شاکی خصوصی نداشته از تحقیق و تفحص در خصوص آن اجتناب گردد تا بی‌جهت آبروی افراد جامعه و حیثیت اجتماعی آن‌ها مورد تعرض و تجاوز قرار نگیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پی‌نوشت‌ها

- ۱- زنی که زمان وضع حملش نزدیک بود نزد امیرالمؤمنین (ع) آمد و گفت: یا علی! من زنا کردم، مرا پاک کن. چون عذاب دنیا آسانتر از عذاب آخرت است که هرگز قطع نمی‌شود. علی (ع) فرمود: از چه پاکت کنم؟ عرض کرد: من زنا کردم ... ر.ک. وسایل الشیعه، تصحیح شیخ محمدالرازی، جلد هیجدهم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، ۱۳۸۷ هـ ق، ص ۳۷۸.
- ۲- سیدمحسن نقوی، نظری به جرائم منافی عفت، مجله‌ی کانون وکلا، شماره‌ی ۱۱۲، سال ۲۱، ۱۳۴۸ ص ۶۲.
- ۳- ابراهیم یاد، جزوه‌ی حقوق جزای اختصاصی، انتشارات دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، ص ۳۸.
- ۴- حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۷۷، ص ۶۳۴.
- ۵- همان، ص ۱۰۹۱.
- ۶- همان ص ۸۷۴.
- ۷- محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، جلد چهارم، ۱۳۷۸، ص ۳۵۲۳.
- ۸- عمید ۱۳۷۷، ص ۶۹۱.
- ۹- جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۶۰-۲۲۶۱.
- ۱۰- عفت از نظر لغوی به معنی باز ایستادن از حرام، پاکدامنی و ترک شهوت است. (حسن عمید، ۱۳۷۷، ص ۸۶۸) و عمومی به معنی همه را فراگرفتن و همگی است (همان ص ۸۷۴) و عفت عمومی در اصطلاح؛ یعنی، آن چه از امور جنسی که در مقطعی از مقاطع زمان، برملاشدن آن باعث ناراحتی عموم گردد. خدشه‌دار کردن آن را «جریحه‌دار کردن عفت عمومی» گویند مانند نشر صور قبیحه و منافیات عفت عمومی علنی (محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۴، ص ۲۵۵۳ و ۲۵۵۲). اخلاق عمومی، مرکب از دو کلمه‌ی «اخلاق و عمومی» است اخلاق در لغت به معنای خوی‌ها و جمع خلق است (عمید همان ص ۹۰) و معنی کلمه «عمومی» زکرش در بالا گذشت. اخلاق عمومی مترادف «اخلاق حسنه» است،

- یعنی «حداقل موازین اخلاقی که از نظر متعارف مردم یک قوم یا سکنه یک کشور، نقض آن‌ها ناپسند شمرده شود.» (محمدجعفر جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۹).
- ۱۱- «منظور از عمل منافی عفت غیر از هتک ناموس مذکور در ماده‌ی ۲۰۸ قانون مجازات عمومی این است که با مجنی علیها اعمال منافی عفت غیر از مواقعه انجام شده باشد و الا ارتکاب واقعه به عنف با زن یا دختر بدون رابطه‌ی زوجیت (اعم از قبل و دبر) هتک ناموس بوده و مشمول فراز از اول بند الف ماده‌ی ۲۰۷ قانون مجازات عمومی خواهد بود...»
- ۱۲- ماده‌ی ۱۰۱: «هر گاه مرد و زنی که بین آن‌ها علقه‌ی زوجیت نباشد، مرتکب عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند به شلاق تا ۹۹ ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عنف و اکراه باشد، فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود.»
- ۱۳- پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، چاپ گنج دانش، جلد اول، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۷۴.
- ۱۴- حسین میرمحمد صادقی، جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۸، ص ۵۳.
- ۱۵- روح‌الله امام خمینی(ره)، تحریرالوسیله، مکتبه العلمیه الاسلامیه، جلد دوم، ۱۳۹۰ هـ.ق، ص ۴۵۵-۴۶۸؛ شهید اول (محمدبن‌ملکی)، المعه الدمشقیه، انتشارات یلدا، ۱۴۱۱ هـ.ق، ص ۲۵۶، شهید ثانی، شرح لمعه با شرح کلانتر جلد نهم، بی‌تا، کتاب حدود؛ شیخ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، دار احیاء التراث العربی، جلد چهل و یکم، بیروت، ۱۳۵۷، کتاب حدود.
- ۱۶- ماده‌ی ۲۱۲ مقرر می‌داشت: «کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال ذیل شوند به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد: ۱- هر زن شوهردار که با مردی رابطه‌ی نامشروع داشته باشد ۲- هر مرد زن‌دار که با زنی رابطه‌ی نامشروع داشته باشد ۳- هر مردی که با زن شوهردار رابطه‌ی نامشروع داشته باشد ۴- ... ۵- ... ۶- ...»
- ۱۷- سروش ستوده جهرمی و غلامرضا شهری، نظریات اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه در زمینه‌ی مسائل کیفری، جلد دوم، روزنامه‌ی رسمی کشور، ۱۳۷۵، ص ۲۵۱.
- ۱۸- امام خمینی(ره)، تحریرالوسیله، جلد چهارم، ص ۲۱۲.

۱۹- در ذکر عناوین گناهان کبیره میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از گناهان کبیره عبارت است: فرار از جهاد، کمک به ستمگران، یاری نکردن به ستمدیدگان، اسراف، کبر ورزیدن، جنگ با مسلمانان، ترک نماز به صورت عمدی، ندادن زکات، ترک واجبات، اصرار بر گناه، ریختن آبروی مؤمن و... ر.ک. شهید سیدعبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، انتشارات جهان، دوره‌ی دو جلدی، چاپ ششم، ۱۳۶۰.

۲۰- پرویز صانعی، حقوق جزای عمومی، ص ۲۵۳.

۲۱- عباس زراعت، شرح قانون مجازات اسلامی، جلد دوم، نشر فیض، چاپ سوم، ۱۳۷۹، ص ۱۴۵.

22- Chat

۲۳- محمد بن مکرم ابن منظور الاضریقی الامصری، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۳۷۰ هـ ق، ص ۵۳۶.

۲۴- محمد، بندرریگی، ترجمه‌ی المنجد الطلاب، چاپ هفتم، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۰، ص ۴۳۲.

۲۵- حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۴۱۰.

۲۶- همان منبع، ص ۱۰۹۶.

۲۷- امام خمینی، تحریرالوسیله، جلد چهارم، ص ۲۱۲.

۲۸- علی پورزرین، نقد و بررسی ماده‌ی ۶۳۷، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، پاییز ۱۳۸۱، ص ۱۰۱.

۲۹- سروش ستوده جهرمی و غلامرضا شهری، ۱۳۷۵، ص ۲۵۱.

۳۰- پرویز صانعی، ۱۳۷۲، ص ۲۶۱.

۳۱- حسین میرمحمد صادقی، ۱۳۷۸، ص ۹۳ و ۹۴.

۳۲- ایرج گلدوزیان، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۹۴.

۳۳- پرویز صانعی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۱.

۳۴- محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۸۹.

۳۵- ابراهیم یاد، ۱۳۵۳، ص ۵۴.

نقد و بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی ۲۰۸

۳۶- محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۷۶، ص ۲۰۶.

۳۷- همان منبع، ص ۲۰۷.

۳۸- ماده‌ی ۷۲۷ مقرر می‌دارد: «جرایم مندرج در مواد ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲،

۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، قسمت اخیر ماده‌ی ۵۹۶، ۶۰۸، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۴۲، ۶۴۸، ۶۶۸،

۶۶۹، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۹، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۹۰، ۶۹۲، ۶۹۴، ۶۹۷، ۶۹۹، ۷۰۰ و

جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شود و در صورتی که شاکی خصوصی

گذشت کند دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یا با رعایت موازین

شرعی از تعقیب مجرم صرف‌نظر کند.»

۳۹- حسین صالحی خوانساری، تفسیر ماده‌ی ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی، مجله‌ی

حقوقی و قضایی دادگستری، شماره‌ی ۳۷، زمستان، ۱۳۸۰، ص ۲۷۳.

۴۰- پرویز صانعی، ۱۳۷۲، ص ۳۱۳.

۴۱- ماده ۱۷۳ اشعار می‌دارد: «در جرایمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات

بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد و از تاریخ وقوع جرم تا انقضای

موعد مشروحه ذیل تقاضای تعقیب نشده باشد و یا از تاریخ اولین اقدام تعقیبی

تا انقضا مواعد مذکوره به صدور حکم منتهی نشده باشد تعقیب موقوف خواهد

شد...»

ماده‌ی ۱۷۴ اعلام می‌دارد: «در موارد مذکور در ماده‌ی قبل هر گاه حکم صادر

گردیده ولی اجرا نشده باشد پس از انقضای موارد مقرر در همان ماده از تاریخ قطعیت

حکم، اجرای آن موقوف می‌گردد و در هر حال آثار تبعی حکم به قوت خود باقی خواهد

بود...»

۴۲- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، با تحقیق عبدالرحیم الربانی الشیرازی،

دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۸۷ هـ، ص ۳۶۷ و محمد حسن نجفی، جواهر

الکلام، جلد ۴۱، ص ۲۸۹ و جعفر بن حسن محقق حلی، شرایع الاسلام، مکتبه

العلیمة الاسلامیة، ۱۳۷۷ ق، ص ۳۴۵ و محمد بن مکی (شهید اول) اللمعة دمشقیة،

۱۴۱۱ ق، ص ۲۴۴ و جبعی عاملی (شهید ثانی)، الروضة البهیة، شرح کلانتر، جلد ۹،

ص ۱۳۵.

۴۳- بند الف ماده‌ی ۲۰۸ مقرر می‌داشت: «هر کس با دیگری به عنف یا تهدید مرتکب عمل منافی عفت غیر از هتک ناموس گردد به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و هر گاه جرم به واسطه‌ی موانع خارجی که اراده‌ی مرتکب در آن مدخلیت نداشته است واقع نشود مجازات مرتکب از سه ماه تا یک سال حبس خواهد بود. نسبت به احکام مذکور در این ماده ورود مرد اجنبی به فراش زن بدون رضای او و به قصد ارتکاب عمل منافی عفت، عنف محسوب می‌شود.»

ماده‌ی ۲۱۲ اشعار می‌داشت: «کسانی که عامداً مرتکب یکی از اعمال ذیل شوند به حبس تأدیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد: ۱- هر زن شوهردار که با مردی رابطه‌ی نامشروع داشته باشد. ۲- هر مرد زن‌دار که با زنی رابطه‌ی نامشروع داشته باشد. ۳- هر مردی که با زن شوهردار رابطه‌ی نامشروع داشته باشد. ۴- هر زنی که در قید زوجیت یا عده‌ی دیگری است مزاجت کند. ۵- هر مردی که با زن شوهردار یا زنی که در عده‌ی دیگری است ازدواج کند. ۶- هر عاقدی که زن شوهردار یا زنی را که در عده‌ی دیگری است برای مردی تزویج کند.»

منابع و مأخذ

- ۱- آخوندی، محمود: *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۲.
- ۲- آشوری، محمد: *آیین دادرسی کیفری*، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
- ۳- یاد، ابراهیم: *جزوه حقوق جزای اختصاصی*، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- ۴- پورزرین، علی: *پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد*، نقد و بررسی ماده‌ی ۶۳۷، با راهنمایی دکتر سیدابراهیم قدسی، دانشگاه مازندران، پاییز سال ۱۳۸۱.
- ۵- جبعی عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی): *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، با شرح ده جلدی کلانتر، جلد نهم، بی‌تا.
- ۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر: *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد چهارم، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، سال ۱۳۷۸.
- ۷- حرعاملی، محمد بن حسن: *وسایل الشیعه الی التحصیل الشریعه*، تحقیق عبدالرحیم الربانی الشیرازی، دار احیاء التراث العربی، بیروت- لبنان، ۱۳۸۷ هـ ق.
- ۸- امام خمینی (ره)، روح‌الله: *تحریر الوسیله*، جلد چهارم، ترجمه‌ی علی اسلامی، بی‌تا.
- ۹- امام خمینی (ره)، روح‌الله: *تحریر الوسیله*، جلد دوم، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۹۰.
- ۱۰- دستغیب، سیدعبدالحسین: *گناهان کبیره*، دوره‌ی دو جلدی، انتشارات جهان، چاپ ششم، ۱۳۶۰.
- ۱۱- زراعت، عباس: *شرح قانون مجازات اسلامی*، جلد دوم، نشر فیض، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
- ۱۲- ستوده جهرمی، سروش و شهری، غلامرضا: *نظریات اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضاییه در زمینه‌ی مسایل کیفری*، جلد دوم، روزنامه رسمی کشور، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۱۳- صالحی خوانساری، حسین: *تفسیر ماده‌ی ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی*، مجله‌ی حقوقی و قضایی دادگستری، شماره‌ی ۳۷، زمستان ۱۳۸۰.
- ۱۴- صانعی، پرویز: *حقوق جزای عمومی*، جلد اول، چاپ گنج دانش، سال ۱۳۷۲.
- ۱۵- عمید، حسین: *فرهنگ فارسی عمید*، انتشارات امیرکبیر، چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۷۷.

۲۱۱ پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی / سال سوم / شماره نهم و دهم / سال ۸۲

۱۶- عمید، حسین: حقوق جزای عمومی، انتشارات امیرکبیر، چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۷۷.

۱۷- گلدوزیان، ایرج: حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲.

۱۸- میرمحمد صادقی، حسین: جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۸.

۱۹- محمدبن مکی (شهید اول): *اللمعه الدمشقیه*، انتشارات یلدا، چاپ اول، تهران، ۱۴۱۱ق.

۲۰- محقق حلی، جعفر بن حسن: *شرایع الاسلام فی الحلال و الحرام*، چاپ سنگی، مکتبه العلمیه الاسلامیه، سال ۱۳۷۷ ق.

۲۱- نجفی، محمدحسن: *جواهر الکلام*، جلد چهل و یکم، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، بیروت، لبنان، ۱۳۵۷.

۲۲- نقوی، سیدمحسن: *نظری به جرایم منافی عفت*، مجله‌ی کانون وکلا شماره‌ی ۱۱۲، سال ۲۱، سال ۱۳۴۸.

۲۳- رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۱۱۸۹-۱۳۳۶/۳/۳۰ صادره از هیأت عمومی دیوان عالی کشور.

۲۴- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سال ۱۳۵۸ و متمم و اصلاحیه‌ی آن سال ۱۳۶۸.

۲۵- قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ و اصلاحیه‌ی سال ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳.

۲۶- قانون راجع به مجازات به اسلامی مصوب سال ۱۳۶۱.

۲۷- قانون اصلاح موادی از آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۶۱.

۲۸- قانون راجع به مجازات اسلامی، تعزیرات، مصوب سال ۱۳۶۲.

۲۹- قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰.

۳۰- قانون مجازات اسلامی، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب سال ۱۳۷۵.

۳۱- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری سال ۱۳۷۸.

۳۲- نظریه‌ی مشورتی شماره‌ی ۷/۹۷۹-۱۳۶۳/۳/۲-۷/۹۷۹ اداره‌ی حقوقی دادگستری.

۳۳- نظریه‌ی مشورتی شماره‌ی ۷/۵۸۹۶-۷/۱۹-۷۹/۶/۱۹ اداره‌کل حقوقی و تدوین قوانین قوه‌ی قضاییه.